یادداشت

ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران آب

رضا بختیاری . مدرس دانشگاه

متخصصان، مسئولان و فعالان امور آب و محیط زیست از وجود بحران جدی آب در ایران سخن می‌گویند. حتی دولتمردان و مدیران امور آب که روزی مشکلات منابع آب ایران را بر گردن خشک‌سالی‌ها و کاهش نزولات جوی می‌انداختند، امروز به این مسئله اذعان دارند که بحران منابع آب در ایران جدی است. این شرایط کاملا نگران‌کننده است؛ چراکه بدون‌شک انتقاد از وضعیت و مدیریت موجود بدون تحلیل دلایل اصلی بحران و ارائه راه‌حل‌های اساسی زخمی را از بدنه بیمار منابع آب ایران درمان نخواهد کرد و مشکلات آبی ایران هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهند کرد. ایران به‌عنوان یکی از پیشگامان عرصه مدیریت منابع آب از دیرباز همواره مشکلات آبی را به‌خوبی مدیریت کرده؛ اما امروزه ایران درگیر بحرانی ناشی از سوءمدیریت منابع آب است. بحران آب بسیار جدی است. در اکثر مناطق، سطح آب به‌شدت پایین رفته، سطح آب دریاچه‌ها و سدها شدیدا کم شده است. از سوی جامعه‌شناسان هشدارهایی مبنی بر ایجاد چالش‌های جدی ناشی از بحران کم‌آبی هرازچندگاهی مطرح می‌شود. خشک‌سالی و بحران کمبود آب در ایران از مرز هشدارها گذشته است. سال‌هاست مقامات دولتی، کارشناسان و شهروندان مسئول درباره ابعاد رو به گسترش کمبود آب در ایران هشدار می‌دهند. طبق پیش‌بینی‌های جهانی سال ۱۴۰۰ سرانه آب به کمتر از ۱۴۰۰ مترمکعب برای هر فرد در سال خواهد رسید و این به معنی ورود به بحران آب است. طبق آمارهای رسمی و به اعتقاد کارشناسان ایران در آستانه بحران آب به سر می‌برد و در سال‌های آینده تأمین آب به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کشور در بسیاری از استان‌ها، شهرها و مناطق تبدیل خواهد شد. ایران از نظر جغرافیایی در بخش نیمه‌خشک و خشک جهان قرار گرفته؛ به شکلی که میانگین بارش در ایران حدود ۲۵۰ میلی‌متر است؛ درحالی‌که میانگین جهانی حدود ۸۵۰ میلی‌متراست که بیش از سه برابر میزان بارش در ایران است. به‌این‌ترتیب کمتر از یک‌سوم متوسط بارش‌های کره زمین را دریافت می‌کند. نظام ریزش نزولات جوی به نحوی است که توزیع زمانی و مکانی یکنواختی در کل کشور نداشته و بیشترین تقاضای آب در زمان وقوع کمترین بارندگی است.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که با شرایط فعلی چه باید کرد؟ ابتدا باید گفت‌وگوی عمومی در جامعه ایرانی در همه سطوح درباره این بحران شکل بگیرد. پس‌ازاین مرحله است که فضای عمومی برای سیاست‌گذاری معطوف به تعدیل و مدیریت بحران آماده می‌شود و البته برای این کار زمان زیادی در اختیار نداریم. مهم این است که هیچ راهکار کم‌هزینه‌ای برای حل این‌گونه مسائل و به طور خاص مدیریت بحران آب در ایران وجود ندارد. شاید نخستین گام پذیرش اشتباهات گذشته است.

در پایان سعی می‌شود به صورت کوتاه راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران آب ارائه شود که به شرح زیر است:

۱. مدیریت حوزه‌ای بر منابع آب.
۲. اتخاذ رویکرد فنی در انتقال آب و آبیاری.
۳. ارتقای فرهنگ مصرف آب.
۴. بازنگری و اصلاح شیوه مصرف در بخش کشاورزی.
۵. کاربردی‌کردن علوم و مهندسی آب.
۶. وضع ضوابط و قوانین ملی آب و آینده‌نگری برای حل مشکلات کم‌آبی.
۷. اصلاح الگوی کشت و انتخاب ارقام گیاهی متناسب با منابع آب در هر منطقه.
۸. مدیریت پساب‌ها و فاضلاب‌ها.

گذر

جذب ۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی در سال ۹۶

معاون وزیر اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های فنی و اقتصادی از جذب پنج میلیارد دلار سرمایه خارجی در سال ۹۶ خبر داد. محمد خزاعی در گفت‌وگو با فارس درباره میزان سرمایه‌گذاری مصوب و جذب‌شده در سال ۹۶ و تغییرات نسبت به سال ۹۵ اظهار کرد: کل طرح‌های مصوب هیئت سرمایه‌گذاری خارجی در سال گذشته، ۱۹۰ طرح با حجم سرمایه‌گذاری مصوب ۱۰،۶ میلیارد دلار بوده است که تعداد طرح‌ها نسبت به طرح‌های سال گذشته، ۲۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد. رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران افزود: بر اساس گزارش‌های دریافتی از دستگاه‌های ذی‌ربط از قبیل بانک مرکزی، گمرکات، وزارت نفت، بورس و مناطق آزاد، سرمایه وارده (جذب‌شده) در سال ۹۶، حدود پنج میلیارد دلار است. معاون وزیر اقتصاد با بیان اینکه سرمایه خارجی جذب‌شده در سال ۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ بیش از ۴۵ درصد افزایش داشته است، گفت: میزان سرمایه خارجی وارده در سال ۹۵، بالغ بر سه میلیارد دلار بود. این موضوع نشانگر این است که به‌طور کلی آمار سرمایه‌گذاری خارجی روند صعودی چشمگیری به خود گرفته است. او درباره کل فاینانس‌های منعقدشده از سال ۹۴ تاکنون و میزان جذب این فاینانس‌ها بیان کرد: حجم کل قراردادهای عمومی تأمین مالی که از طریق سیستم بانکی کشور و اعتباردهندگان خارجی امضا و مبادله شده است، بیش از ۳۲ میلیارد دلار است. میزان دقیق مبالغ استفاده‌شده یا اعتبارات اسناد گشایش‌یافته، در اختیار بانک مرکزی و بانک‌های عامل ذی‌ربط بوده و آنها می‌توانند آن را اعلام کنند. معاون وزیر اقتصاد در پاسخ به این سؤال که با توجه به خروج آمریکا از برجام وضعیت سرمایه‌گذاران برای حضور در ایران تغییر کرده یا خیر و اینکه آیا تاکنون شرکتی به‌طور رسمی درخواست انصراف خود را از سرمایه‌گذاری یا اجرای قرارداد فاینانس به سازمان سرمایه‌گذاری خارجی یا دستگاه‌های ذی‌ربط داده است، تصریح کرد: تاکنون هیچ درخواست رسمی‌ای مبنی بر انصراف از سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران خارجی دارنده مجوز سرمایه‌گذاری تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری، به این سازمان واصل نشده است. خزاعی افزود: همچنین درباره قراردادهای فاینانس نیز هیچ‌گونه اعلام رسمی از سوی آنها به وزارت امور اقتصادی و دارایی و حسب اطلاع به بانک مرکزی نیز واصل نشده است. رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران در پاسخ به این پرسش که در مذاکرات پیش‌رو با اروپا چه تعهدی برای ماندن و حضور شرکت‌ها از سوی طرف ایرانی درخواست شده و مطالبات ما چیست، گفت: با توجه به اینکه گروه مذاکره‌کننده با اتحادیه اروپا تحت سرپرستی وزارت امور خارجه اقدام می‌کند، مناسب است در این زمینه که حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و سایر موارد را دربر می‌گیرد، از این وزارتخانه پیگیری شود.

رئیس پیشین سازمان امور مالیاتی در گفت‌وگو با «شرق» از ماجراهای ۷ سال ریاستش می‌گوید

ماجرای اختلاف سازمان مالیاتی با برخی نهادها

مرضیه امیری: ۱۴ سال از کلیدخوردن طرح جامع نظام مالیاتی می‌گذرد؛ طرحی که قرار بود طی ۹ سال به مرحله اجرا و بهره‌برداری برسد، اما اکنون با پنج سال تأخیر همچنان مرحله پیاده‌سازی ملی آن انجام نشده است. علی عسکری، رئیس پیشین سازمان امور مالیاتی، را شاید بتوان مهم‌ترین فردی دانست که در طرح جامع مالیاتی نقش داشت. از ۱۴سالی که این طرح در سازمان مطرح بود، نیمی از آن (از سال ۸۸ تا ۹۵) در دوره ریاست علی عسکری بر سازمان مالیاتی گذشت. به همین بهانه به سراغ او رفتیم و در کنار مروری بر تاریخچه طرح جامع مالیاتی و عهدشکنی‌های شرکت‌های داخلی و خارجی، از چالش‌ها و بحران‌هایی سخن گفت که در هفت سال ریاستش در سازمان مالیاتی با آن روبه‌رو بود؛ فشارهایی که در نهایت منجر به رفتن او از سازمان مالیاتی شد. علی عسکری در این گفت‌وگو از باورهای غلطی صحبت کرد که نه افکار عمومی بلکه ذی‌نفوذان و ذی‌نفعان در حوزه مالیات شکل داده‌اند، مثال او هم دراین‌باره عبارت سرک‌کشی به حساب‌های بانکی است. او معتقد است این یک عبارت غلط است تا طفره‌روی فعالان اقتصادی از شفافیت و پرداخت مالیات را توجیه کند. همچنان که در سازمان امور مالیاتی برای دریافت مالیات خانه‌های خالی با این طفره‌روی روبه‌روست. به گمان عسکری در بیشتر موارد هم فشارها و نارضایتی‌ها نه از اصناف خرد، بلکه از طرف گروه‌هایی به سازمان امور مالیاتی وارد می‌شود که خود قانون‌گذارند یا مجری قانون. در جایی نمایندگان مجلس به جای ایستادن پشت قانونی که خود وضع کرده‌اند، در برابر سازمان مالیاتی قرار می‌گیرند و در جایی دیگر وزارت مسکن و شهرداری‌ها اراده لازم برای پهن‌شدن چتر مالیاتی را ندارند. عسکری می‌گوید افراد زیادی برای فرار از مالیات قدرت‌ورزی می‌کنند و تنها کاری که ما توانستیم در این شرایط انجام دهیم، این بود که برای بستن راه‌های فرار غیرقانونی و شبه‌قانونی، قانون وضع کنیم. او یکی از مهم‌ترین موفقیت‌ها در این زمینه را اجبار قانونی ارائه اظهارنامه و اطلاعات درآمدی نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی می‌داند.

از مرحله طراحی و تدوین طرح جامع نظام مالیاتی چند سالی است که می‌گذرد؛ اما این طرح هنوز به طور کامل عملیاتی نشده است. شما به‌عنوان یکی از طراحان این طرح دلیل این تعلل را در چه می‌بینید و چه نقدهایی بر آن دارید؟

طرح جامع مالیاتی طرحی تقریبا گسترده با ۳۲ پروژه است و شاید اگر کسی ابعاد این طرح را نداند، نتواند به ظرافت‌های آن دست پیدا کند. این پروژه‌ها دربرگیرنده پروژه تولید نرم‌افزار یکپارچه، ایجاد مراکز دیتا، مباحث مربوط به اظهارنامه، زیرساخت و حتی پروژه‌های مربوط به منابع انسانی است که در برنامه سوم در مجلس به تصویب رسید. در سال ۸۳ شرکت لینوکس کانادا این طرح را مطالعه کرد و پیشنهاد داد چه نوع سیستم مالیاتی برای ایران مناسب است و با چه روشی باید سیستم جدید را پیاده کرد. درواقع این ۳۲ پروژه حاصل مطالعه شرکت لینوکس کاناداست. برای تولید نرم‌افزار که یکی از محورهای اصلی این طرح بود، قرار شد مناقصه‌ای برگزار شود. سال ۸۶ برای ۱۶ شرکت داخلی و خارجی پیشنهاد و برای شش شرکت اسناد مناقصه فرستاده شد. از میان این شرکت‌ها، شرکت بول فرانسه برنده مناقصه شد. در این مقطع از طرف دولت وقت ایراد وارد شد که چرا از شرکت‌های ایرانی استفاده نکردید؛ اما ازآنجاکه هیچ شرکت ایرانی توانایی انجام این کار را نداشت، هیچ‌کدام از شرکت‌ها موفق به برد در مناقصه نشدند. چهار سال از مناقصه تا زمانی که کار مجدد شروع شود، طول کشید؛ یعنی چهار سال طرح در میان فشارها از بالا (عمدتا از طرف دولت و مجلس وقت) معطل ورود یک شرکت ایرانی شد؛ بدون اینکه هیچ شرکت ایرانی قابلیت و توانایی انجام این کار را داشته باشد. در اردیبهشت ۸۸ بالاخره دکتر عرب مازار قرارداد اجرای پروژه را با شرکت بول فرانسه منعقد کرد. تولید نرم‌افزار در فاز دوم پروژه بود. من سال ۸۸ مهرماه رفتم سازمان امور مالیاتی که در آن زمان وزیر دکتر حسینی بود و از من خواست در ستاد طرح تحول اقتصادی طرح جامع مالیاتی به اجرا گذاشته شود. چند مذاکره با شرکت فرانسوی انجام دادیم که با همان قیمت و مناقصه چهار سال گذشته کار را شروع کنیم و آنها موافقت کردند. از سال ۸۹ در اردیبهشت به شکل رسمی شروع شد که عملا یک سال عقب افتاد. تولید نرم‌افزار براساس خود لینوید پنج سال طول می‌کشید. یک سال مدت اجرای پایلوت بود و بعد هم دوره اعتبارسنجی بود. سه سال هم دوره پیاده‌سازی ملی بود و عملا ۹ سال زمان می‌خواست. همه تصورشان این بود که چرا یک تا دوساله انجام نشد.

طرح جامع گمرک نیز هم‌زمان با طرح مالیات شروع شد. اکنون این طرح اجرا و به مرحله بهره‌برداری رسیده؛ اما طرح جامع مالیات همچنان معلق است.

طرح جامع گمرک حجمش بسیار کوچک است و در واقع یک پروژه از پروژه‌های مالیات است. ۸۰ درصد واردات در سه گمرک انجام می‌شود که اصلا نمی‌توان این دو را با هم مقایسه کرد. همان پروژه گمرک مطالعاتش با الگوگیری از طرح جامع مالیات بود و بعد از طریق دانشگاه تهران نرم‌افزار تولید شد و دو سال طول کشید تا آن را اصلاح کنند. هنوز هم مشکل دارد و نیاز به اصلاحات دارد.

من از سازمان امور مالیاتی در سال ۹۵ منفک شدم، بعد شیوه کار تغییر کرد. ما قرار بود ممیز کلی در ادارات را پیاده کنیم. بعد تصمیم گرفتند اداره به اداره، کار را انجام دهند. ضمن اینکه مدیر طرح جامع بعد از رفتن من تغییر کرد و ایشان توانایی لازم برای اجرای طرح را نداشت. همین اتفاقات در فرایند تأخیر ایجاد کرد. بعد دو سال هم سازمان به این نتیجه رسید که نمی‌تواند با ایشان کار کند. آنچه مسلم است، این است که دست‌کم در شرایط ایده‌آل ۹ سال نیاز به زمان دارد. در پنج‌سال‌و اندی که من کار را شروع کردم، ما یک‌سال‌و اندی تأخیر داشتیم. طبق زمان‌بندی تا پایان سال ۹۹ اجرای ملی این طرح تمام می‌شود.

واقعیتی که در اقتصاد اکثر کشورهای در حال توسعه وجود دارد، این است که دستگاه‌های اجرائی و فعالان اقتصادی به سیستم‌های غیرشفاف عادت کرده‌اند و در برابر الکترونیکی‌شدن مقاومت می‌کنند. در حوزه مالیات به دلیل رابطه مؤدی و کارشناس این مقاومت جدی‌تر هم هست. با این چالش چطور می‌توان مواجه شد؟

دقیقا شکست این مقاومت یکی از پروژه‌های ۳۲گانه طرح جامع نظام مالیاتی با عنوان مدیریت تغییر است. این پروژه پاسخ می‌دهد که اگر سیستم جدید را وارد سیستم مالیات کنید، با چه موانعی روبه‌رو هستید. اولین مانع پذیرش کارکنان است، بعد اگر سیستم جدید فرایند مالیات‌ستانی را تغییر دهد، از کارشناس پرونده را می‌گیرید و به او می‌گویید حق دارد یک‌هجدهم کار را انجام دهد؛ چون هجده مرحله دارد. هر کارشناس یک وظیفه را انجام می‌دهد؛ مانند خط تولید که پیچیدگی بیشتری دارد؛ اما دقیق‌تر است.

این فرایند تا چه حد جلوی تخلفات را گرفته است؟

الکترونیکی‌کردن سیستم مالیاتی چند وجه دارد؛ یکی از مهم‌ترین آن این است که ارتباط کارشناس و مؤدی قطع می‌شود.

آیا آماری از میزان تخلفات حاصل از رابطه چهره‌به‌چهره کارشناس و مؤدی دارید؟

اجازه دهید من لایه‌های مختلف این کار را بگویم. قرار بر این شد که رابطه میان مؤدی و کارشناس حذف شود؛ بعد از سه سال که قانون قبلی اصلاح شد، قرار شد تشخیص علی‌الرأس از نظام مالیاتی برداشته شود. این نقطه پایانی بود بر اینکه یک کارشناس بگوید چون من اطلاعات کافی ندارم تشخیص علی‌الرأس می‌دهم. بنابراین مبنای مالیات‌ستانی می‌شود اطلاعات. یکی از پروژه‌های دیگر مدیریت ریسک بود، براین‌اساس سیستم نرم‌افزار خودش تشخیص ریسک می‌دهد و براساس ریسک بلندمدت اطلاعات اقتصادی را می‌گیرد به سه دسته پایین، متوسط و بالا تقسیم می‌کند. از هرکدام ریسک متوسط دارد سازمان امور مالیاتی تعدادی نمونه می‌گیرد. هرکسی ریسک بالا دارد این پیام را به سازمان مالیاتی می‌دهد که به برو زندگی‌اش از زیر و رو کن. جریمه‌های این ریسک‌های بالا سنگین است. شلاق و زندان دارد. اگر کسی در برابر نظام مالیاتی خلاف کند، مجرم است. با اجرای طرح جامع فسادهای نظام مالیاتی حداقل می‌شود خیلی از تخلفات با مؤدی برداشته شود. سازمان امور مالیاتی باید کار را با سرعت دهد که پیاده‌سازی ملی طرح هرچه زودتر نهایی شود.

سؤال قبلی را که پاسخ ندادید. برگردیم سر بحث قبل. چرا طرح جامع مالیاتی به تأخیر افتاد؟

به دلیل تحریم‌های اقتصادی بعد از سال ۸۹. ما شرکت بول را مجبور کردیم، انتقال دانش کند. در سال پنجمی که با بول کار می‌کردیم شرکت اتاد فرانسه بول را خرید اما چون این شرکت با شرکت‌های بیرون اروپا کار می‌کرد، نگران بود که مشمول تحریم‌های اقتصادی آمریکا شود. گفت من ادامه نمی‌دهم، ما گفتیم قرارداد داریم و پذیرفت ما بدون اینکه اسمی از شرکت اتاد بیاوریم، با شرکت بول به‌عنوان زیرمجموعه اتاد کار را ادامه دهیم. ما شک داشتیم که کار را در میانه راه رها کنند. پروژه‌ای تعریف کردیم به نام انتقال دانش که بول و اتاد به همکاران ما یاد بدهند چطور نرم‌افزار را توسعه دهند و اصلاح کنند. دوره ۹ماهه تعریف شد و همه همکاران آی‌تی طرح جامع آموزش دیدند. دو تا از ارث و املاک در طرح جامع عوض شد. با اینکه نرم‌افزار آن تولید شده بود، در پایلوت همکارانمان کلا تغییرش دادند. املاک قبلا براساس ارزش معاملاتی بود و ارزش روز شد. درباره ارث هم قبلا وراث اظهارنامه تمام اموال متوفی را ارائه می‌کردند، ما به جای روند یکباره ارائه اظهارنامه تصمیم گرفتیم فرایند را بین چند مرحله تقطیع کنیم. به‌این‌ترتیب که وراث ابتدا حساب بانکی را تعیین‌تکلیف کنند به جای یکجا مرحله‌به‌مرحله براساس نقدپذیری انجام دهند. فرایند شیوه کار عوض شد، پس نرم‌افزار آن هم باید عوض می‌شد. به‌هرحال واقعیت این است که پیاده‌سازی طرح جامع مالیات ملی برای به‌نتیجه‌رسیدن، اهتمام و سرعت بیشتری می‌خواهد.

یکی از مهم‌ترین منابع مالیاتی که در لایحه طرح جامع مالیاتی بود، دریافت مالیات بر مجموع درآمد بود، اما این منبع از لایحه حذف شد. گفته می‌شد این تصمیم تحت فشارهای وارده از سمت ثروتمندان گرفته شده است. دقیقا چه اتفاقی افتاد؟

در لایحه اولیه مالیاتی، سه پایه مالیاتی مجموع درآمد، ثروت و سرمایه آمده بود که در ادامه از لایحه حذف شد. البته آنچه به‌عنوان مالیات بر مجموع درآمد آورده بودیم، این بود که ما بستر لازم برای مجموع درآمد در قانون جدید ایجاد کنیم تا براساس آنچه در متن قانون می‌آید، پایه اطلاعات مؤدیان را براساس آن بستر پیاده‌سازی کنیم و اطلاعات خانوار را در سیستم مالیات ثبت کنیم. بعد از اینکه این اطلاعات تدوین شد، یک لایحه دیگر به‌عنوان مالیات بر مجموع درآمد به مجلس تقدیم کنیم و آن لایحه مبنای کار قرار گیرد. اگر لایحه مالیات بر مجموع درآمد پیاده‌سازی شود، خیلی از منابع موجود باید از سیستم مالیاتی حذف شود. نمی‌توان مثلا هم مالیات بر مجموع درآمد داشته باشیم، هم مالیات بر مجموع حقوق، مالیات بر منبع مشاغل، مالیات بر مشاور و مالیات بر ارث؛ چون باید تمامی خانوارهای ایرانی اظهارنامه ارائه کنند. درحال‌حاضر تنها کسانی که فعالیت اقتصادی دارند، به سازمان امور مالیاتی اظهارنامه ارائه می‌کنند، نه تمامی خانوارها. اکنون پنج‌میلیون‌ونیم اظهارنامه وصول می‌شود که شامل اشخاص حقوقی، حقیقی، سرقفلی، املاک، ارث و غیره است. همین امروز اگر بخواهیم مالیات بر مجموع درآمد دریافت کنیم باید ۲۱میلیون مؤدی بیایند اظهارنامه مالیاتی تحویل بدهند. همه خانوارها باید توضیح بدهند درآمد و هزینه‌شان چقدر بوده و بعد تعیین شود که چه خانواری باید مالیات بپردازد و چه کسانی نپردازند.

درباره مالیات بر ثروت چطور؟ در این منبع مالیات‌ستانی هم با محدودیت پایگاه‌های شناسایی روبه‌رو هستیم؟

قرار بر این بود که همه کسانی که از یک آستانه‌ای بیشتر ثروت در دست دارند، مالیات بپردازند. البته اکنون در دنیا زمانی که مالیات بر مجموع درآمد دریافت می‌شود، مالیات بر ثروت به این معنا از کسی گرفته نمی‌شود. درباره مالیات بر مجموع درآمد ما بستر را در قالب یک بند در لایحه مالیات آورده بودیم البته با اینکه قانون اصلاح شد ما سرنخ این را در قانون فعلی در ماده ۹۷ گذاشته‌ایم. من خودم به لحاظ اینکه اعتقادم بر این بود که روزی باید ایران به سمت دریافت مالیات بر مجموع درآمد برود، سرنخ بستر این نوع مالیات‌ستانی را در قانون مالیات گذاشته‌ایم که با ایجاد پایگاه این را عملی کنیم. درباره مالیات بر سرمایه شرکت‌ها نیز این منبع مالیاتی در مجلس مورد بحث قرار گرفت، ولی در صحن علنی رأی نیاورد.

مخالفت مجلس به چه دلیل بود؟

مثل همه موادی که در مجلس رأی نمی‌آورد، این هم مورد موافقت اکثریت نمایندگان قرار نگرفت.

دعوای قدیمی در حوزه مالیات همواره میان سازمان امور مالیاتی و اصناف بوده است. اوج این اختلافات را هم ما زمانی شاهد بودیم که دولت یازدهم با درپیش‌گرفتن سیاست‌های مالیاتی درصدد افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه بود. دولت می‌خواست درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد و تور مالیاتی را گسترده کند و اصناف می‌گفتند در رکود اقتصادی توان پرداخت مالیات را ندارند. حتی گفته می‌شد استعفای شما از ریاست سازمان امور مالیاتی به همین اختلافات و فشارهای حاصل از آن بازمی‌گردد و برخی نمایندگان مجلس وقت نیز در استان‌ها علیه سازمان امور مالیاتی و له اصناف هستند.

ما دعواهای خودمان با اصناف را در همان سال‌ها کردیم و دلیلی نداشت که همچنان در این سیکل بمانیم. برخی استانداردها و نمایندگان مجلس نیز از اصناف حمایت بدون منطق و خلاف قانون می‌کردند که من به‌عنوان رئیس سازمان امور مالیاتی مخالف بودم. اختلاف ما با اصناف سر تشخیص درآمد بود. ما می‌گفتیم این مالیاتی که می‌پردازید با درآمدتان انطباق ندارد. اصناف بیش از ۸۰ درصدشان در آن سال‌ها زیر ۵۰۰ هزارتومان مالیات می‌پرداختند. ما به همین دلیل بسیاری از پایه‌های مالیاتی را تغییر دادیم و مشاغل بیشتری را به‌عنوان صنف تعریف کردیم. قانون مالیات از سال ۹۵ اجرائی شد و به این واسطه نظام مالیاتی توانست برای مؤدیان اصناف مالیات مقطوع تعیین کند. این اختیار قانونی را برای مالیات گرفتیم تا اختلافات بی‌مورد را متوقف و اختیار قانونی را به سازمان امور مالیات محول کنیم. در قانون قبلی چون شفاف نبود و سازمان امور مالیات اختیار تام نداشت، امکان دورزدن قانون وجود داشت. آقای تقوی‌نژاد هم از این ظرفیت قانون جدید استفاده کرد البته اگر من بودم، بهتر می‌توانستم از این ظرفیت استفاده کنم، یعنی به همه مدیران مالیات می‌گفتم مؤدیان اصناف را طبقه‌بندی کنید، کسانی که مالیاتشان در آستانه تعیین‌شده در چارچوب قانون قرار می‌گیرد، نامشان را در سیستم به‌عنوان مالیات مقطوع ثبت کنید مانند مؤدیان خودرو. هرکس مالیات را پرداخت کرد، رأی برایش صادر شود. شما یقین داشته باشید افرادی که بیشترین میزان فرار مالیاتی را دارند، همان افرادی هستند که در حوزه اقتصاد فعالیت‌های گسترده دارند و بسیاری از آنها نمی‌خواهند اطلاعات دقیقی به نظام مالیاتی بدهند. در چند سال اخیر که پایگاه اطلاعاتی را در سازمان امور مالیاتی ایجاد کردیم، پرونده‌های فرار مالیاتی بسیاری رو شد. اینها بیشتر افرادی هستند که در بخش واسط اقتصاد فعالیت می‌کنند و دارای کسب‌وکارهای کلان هستند. روی صحبت ما مغازه‌داران و بقالان نیستند، بلکه آنهایی هستند که دارای فعالیت‌های اقتصادی عمده و فرارهای مالیاتی آن‌چنانی هستند. البته اگر اختلافی رخ دهد همان دانه‌درشت‌ها اصناف خرد را عَلم می‌کنند. مانند همان ماجرایی که در دوران من ایجاد شد و اصناف خرد اعتراض کردند، اما در نظام مالیاتی هیچ‌گاه طرف حساب ما کسب‌وکارهای خرد نیستند.

درباره استعفای من هم باید بگویم نظام مالیاتی همواره تحت فشار طفره‌روندگان مالیات است. بسیاری از مؤدیان اصلا حاضر نمی‌شدند اطلاعات خود را به سازمان امور مالیاتی بدهند، ما تکلیفمان را با آنها روشن کردیم. عده‌ای از فعالان اقتصادی می‌گفتند ما حکم از جای خاصی داریم و اصلا نباید مشول پرداخت مالیات شویم. تکلیف آنها را هم روشن کردیم، حکم قانونی گذاشتیم که هیچ‌کس امکان برون‌رفت از قانون نداشته باشد. من عقب‌نشینی نکردم اما آنها روبه‌روی من قرار گرفتند. زمانی که من وارد سازمان امور مالیاتی کشور شدم، درآمد سالانه از محل مالیات‌ها ۱۸هزارمیلیارد تومان بود و در زمانی که من سازمان را تحویل دادم، درآمدهای مالیاتی به ۷۴هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته بود.

شما از معدود مدیرانی بودید که هم ریاست سازمان امور مالیاتی را در دوره دولت دهم و هم دولت یازدهم داشتید. همکاری و همراهی دولت‌ها جهت شفافیت و افزایش درآمدهای مالیاتی چگونه بود؟

دولت‌ها به دلیل اهمیت منابع مالی همواره موافق دریافت مالیات و پهن‌شدن دامنه آن هستند. من در دو دولت، هم از سوی رئیس‌جمهور هم از سوی وزرای اقتصادی وقت برای عملیاتی‌سازی لایحه و قانون مالیاتی جدید مورد حمایت بودم. چون در دوره دولت یازدهم هم مشکلات ما با مؤدیان زیاد بود. به‌هرحال در نظام مالیاتی در دوره‌ای که من ریاست سازمان را برعهده داشتم، بسیاری از دعواها و اختلافات را ما حل کردیم و آنچه هم به دلیل فشارهای بیرونی ممکن نبود، در قالب قانون تعریف کردیم. نظام مالیاتی با مؤدیانی روبه‌رو بود که اطلاعات خود را اساسا اظهار نمی‌کردند. ما ماده ۱۶۹ قانون مکرر را به تصویب رساندیم که کسی راه فرار برای خودش باز نکند. هر فعالیت اقتصادی که انجام می‌شود، باید به اطلاع نظام مالیاتی برسد اما اینکه نظام مالیاتی ما چه زمانی بتواند از این ظرفیت‌های قانونی به تمامی استفاده کند، بستگی به همت همکارانی دارد که در سازمان مالیاتی هستند.

دریافت مالیات از نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی که فعالیت اقتصادی دارند، چندسالی است که مورد بحث قرار گرفته است. آقای تقوی‌نژاد در اولین نشست خبری خود بعد از رفتن شما و جایگزین شدنش در سازمان اعلام کردند که برای اولین بار این نهادها اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه کرده‌اند اما تا امروز اطلاعات دقیقی از دریافت مالیات از این منبع منتشر نشده و حتی در روزهای انتخابات دولت یازدهم بحث‌هایی در این خصوص صورت گرفت.

قبل از اصلاح قانون مالیات مستقیم چون برخی از مؤدیان در برخی نهادها و دستگاه‌ها فعالیت اقتصادی داشتند، وقتی سازمان مالیاتی سراغشان می‌رفت، اظهار می‌کردند ما از پرداخت مالیات معاف هستیم. ما می‌پرسیدیم مبنای معافیت شما کجاست؟ آستان‌ها می‌گفتند ما حکم مقام معظم رهبری را داریم. ما می‌گفتیم جایی که ایشان حکم دادند شما در عملکرد معاف از مالیات هستید اما در مالیات بر ارزش‌افزوده به اختلاف برخوردیم. به دفتر مقام معظم رهبری مراجعه کردیم و ایشان حکم دادند تمامی نهادها باید مالیات بر ارزش‌افزوده را پرداخت کنند. ما توانستیم مالیات از این محل را دریافت کنیم اما مالیات بر عملکردشان کماکان مشمول حکم رهبری است. درمورد مثلا قرارگاه خاتم شیوه دیگری پیش گرفته شده بود، به‌این‌ترتیب که قرارگاه خاتم اظهارنامه خود را تحویل سازمان امور مالیاتی بدهد، مالیاتش به خزانه واریز شود و بعد از خزانه آن را بازپس بگیرد. من حکمی در قانون برنامه پنجم توسعه گذاشتم که شرط برخورداری از معافیت مالیاتی ارائه اظهارنامه مالیاتی است. با این هدف بود که هرکس گفت من معاف از مالیات هستم ابتدا درآمد و دارایی‌اش با اظهارنامه روشن و بعد به معافیت آن رسیدگی شود. درنهایت اکنون تمام کسانی که در ایران فعالیت اقتصادی می‌کنند باید مالیات بپردازند، مگر کسانی که در ماده ۱۳۹ معاف از مالیات شناخته شده‌اند که آنها هم مشخص هستند. با نرخ ترجیحی دارند مانند گردشگری یا حکم رهبری دارند. اینک نظام مالیاتی براساس پایگاه اطلاعاتی که دارد، باید جلوی کتمان اطلاعات درآمدی را بگیرد. اکنون هیچ پرونده مالیاتی بدون استخراج اطلاعات از این پایگاه قابل رسیدگی نیست.

از دریافت مالیات از اصناف صحبت کردید. یکی از پردرآمدترین صنف‌های حاضر صنف پزشکان است اما مالیاتی از آنها گرفته نمی‌شود. چطور می‌توان این صنف را به زیر چتر مالیاتی آورد؟

درمورد مالیات پزشکان چند سالی که بودم تلاش خودم را کردم و پایگاه مالیاتی پزشکان تغییرات محسوسی کرد اما اینکه اکنون به چه صورتی از این صنف مالیات گرفته می‌شود را باید مسئولان وقت توضیح دهند. به عقیده من، ما نباید خیلی روی دریافت مالیات از پزشکان عمومی تمرکز کنیم چون جای مانوری ندارد. باید بیشتر به سمت دریافت مالیات از پزشکان متخصص و جراحان رفت.

یکی از پایه‌های مالیاتی که در قانون مالیات دیده شده است، دریافت مالیات از خانه‌های خالی است اما هنوز سازمان امور مالیاتی نتوانسته از این محل مبلغی به خزانه واریز کند. این سازمان دلیل دریافت‌نکردن مالیات از این محل را تعلل وزارت مسکن در راه‌اندازی سامانه اطلاعاتی می‌داند. به نظر شما چرا دریافت مالیات از خانه‌های خالی هنوز عملیاتی نشده است؟

ما بحثمان درمورد دریافت مالیات از خانه‌های خالی این بود که مسکن را از بورس‌بازی بیرون بیاوریم. به‌عنوان یک کالا که در اقتصاد خرید و فروش می‌شود بیرون بیاوریم. به همین دلیل گفتیم وزارت شهرسازی با همکاری شهرداری‌ها و سازمان ثبت اسناد سامانه اطلاعاتی را راه‌اندازی کند و این پایگاه را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهد. اما مقاومت بسیار زیاد است، افرادی که در این زمینه باید پاسخ‌گو باشند، بسیار ذی‌نفوذ هستند.

وزارت مسکن و شهرسازی اراده لازم برای این کار را ندارد یا حداقل اراده لازم را نشان نمی‌دهد. نظام مالیاتی هم آن‌چنان دستش پر نیست یعنی خودش اختیار کامل را برای شناسایی این خانه‌ها ندارد. شهرداری‌ها این اطلاعات را در دست دارند که پروانه تولید می‌دهند، ثبت اسناد که سند را صادر می‌کند مطلع است و وزارت مسکن که متولی بخش مسکن است. این سه دستگاه باید اطلاعات لازم را ارائه دهند که منفعتی در ارائه این اطلاعات نمی‌بینند و تحت فشار ذی‌نفعان دیگر هستند.

یکی دیگر از اتفاق‌های جدید در حوزه مالیات‌ستانی سرکشی به حساب‌های بانکی است که مخالفان زیادی نیز دارد. مخالفان معتقدند این فرایند موجب خروج سرمایه و نااطمینانی و ورود به حریم خصوصی می‌شود. آیا شما با این استدلال موافق هستید؟

من عبارت سرکشی به حساب‌های بانکی را یک عبارت غلط می‌دانم. بحث سرکشی به حساب‌های بانکی نیست، موضوع این است که اگر یک فعال اقتصادی در شبکه بانکی پول رد و بدل می‌کند، یکی از مواردی که به سازمان امور مالیاتی مربوط می‌شود، میزان تراکنش‌های بانکی فعالان اقتصادی است. این پایگاه می‌تواند به تشخیص سازمان امور مالیاتی کمک کند. قانون مالیات‌ها به سازمان مالیاتی اجازه داده تا وضعیت مالیاتی پنج سال قبل مؤدیان را بررسی و به آن مراجعه کند. اگر اظهارنامه داده یا نداده، رجوع کرده و براساس اطلاعات برگ تشخیص صادر کند که این موضوع کاملا قانونی است. هنگام تصویب قانون مالیات‌ها در مجلس بسیاری از افراد و گروه‌ها دست و پا می‌زدند ماده ۱۶۹ مکرر که اکنون قانون است تصویب نشود و به همین دلیل این ماده یک سال در مجلس معطل ماند. بسیاری در اقتصاد کشور فعالیت اقتصادی دارند و نمی‌خواهند در نظام مالیاتی شناخته شوند، افراد بسیاری تقلب می‌کنند، بنده افرادی را سراغ داشتم که در بورس با نام دیگران خرید می‌کردند و کالا را خود تحویل می‌گرفتند تا شناسایی نشوند. دست‌وپازدن بخش خصوصی برای رسیدگی‌نکردن به تراکنش‌های مشکوک بانکی پنج سال قبل در جهت عدم تمکین به قانون است، بنابراین سازمان مالیاتی باید با قوت و اهتمام بیشتری این موضوع را دنبال کند و حتما به هرکسی که کتمان درآمد داشته، رسیدگی کند.

بنابراین قرار است سیستم بانکی اطلاعات کسانی را که از آستانه‌ای بیشتر تراکنش بانکی دارند، به اطلاع سازمان امور مالیاتی برساند تا به این پشتوانه میزان مالیات آنها تعیین شود. هیچ فردی در سازمان امور مالیاتی حق ورود به حساب‌های بانکی اشخاص را برای سرکشی ندارد و قانون نیز چنین اجازه‌ای را نداده است بلکه اطلاعات حساب‌ها به سازمان امور مالیاتی ارائه می‌شود تا سازمان مالیاتی با قرائن دیگری که در اختیار دارد، بتواند در تشخیص میزان مالیات دقیق‌تر عمل کند. اصلا ربطی به حریم شخصی ندارد چون نه تبعیضی در کار است و نه قرار است نظام مالیاتی این اطلاعات را به جای دیگری انعکاس دهد. در نظام مالیاتی قبلی هم سازمان مالیاتی به اطلاعات حساب‌ها دسترسی داشت اما هیچ‌گاه این اطلاعات را به نهاد دیگری منعکس نکرد چون محرم این اطلاعات بوده و هست. بنابراین تفسیرهای موجود به این دلیل است که نمی‌خواهند اطلاعات اقتصادی‌شان شفاف شود.

اگر به سال‌های قبل از ۹۵ بازگردید که در سازمان مالیاتی مشغول به کار بودید، در بحث تخلف‌ها و طفره‌روی از دریافت مالیات چه مثالی در ذهن دارید که سازمان امور مالیاتی توانست عملکرد مثبتی در برخورد با آن داشته باشد؟

من اگر اکنون رئیس سازمان امور مالیاتی بودم سرعت پیاده‌سازی طرح جامع نظام مالیاتی را تسریع می‌کردم. پایگاه اطلاعاتی طرح جامع را تسهیل و اصلاح قانون را با قوت بیشتری اجرا می‌کردم.

در میان صحبت‌هایتان چندین بار به فشارهای وارد بر سازمان امور مالیاتی از سوی ذی‌نفوذان قدرت و ذی‌نفعان اشاره کردید. این فشارها در سال‌هایی که شما ریاست سازمان مالیاتی را برعهده داشتید، بیشتر از کدام سمت بود؟

هرکس در این سازمان بوده و بیاید، با این فشارها روبه‌روست، پشتوانه نظام مالیاتی قانون است. اما متأسفانه ما موردهایی داریم که قانون‌گذار خودش قانون وضع می‌کند اما جایی سد معبر اجرای قانون می‌شود. کسی در مجلس نباید حق داشته باشد در مقابل نظام مالیاتی برای گرفتن مالیات بایستد، اگر بایستد در مقابل قانون ایستاده است اما با دخالت و منفعت شخصی این ایستادگی همچنان وجود دارد. مؤدیانی که به سراغ نمایندگان مجلس می‌روند و آنها هم خود را مسئول می‌دانند، درخواست آنها را اجابت کنند. همین اراده هم فشارهایی بر سازمان امور مالیاتی وارد می‌کند که در مقابل اجرای قانون سهل‌گیری صورت گیرد. اما این درخواست منطقی و قانونی نیست. مجلسیان خود قانون را تصویب می‌کنند اما در اجرا پشت سازمان مالیاتی را نمی‌گیرند چون همان آدم‌ها به این نمایندگان فشار می‌آورند. نماینده حق ندارد اگر مالیاتی درست اخذ شده فشار بیاورد. اگر مالیاتی اضافه گرفته شده باید برخورد کرد و مصادیق آن ذکر شود، نمی‌توان به صورت کلی به سازمان مالیاتی فشار آورد و صرف مراجعه و نامه‌نگاری برخی از قانون حمایت نکرد. همان مؤدیانی را که نمایندگان مجلس درخواست معافیت یا سهل‌گیری برای دریافت مالیات آنها را مطرح می‌کنند، کسانی هستند که ده‌ها سال بوده مالیات نپرداخته‌اند و اکنون که باید مالیات خود را بپردازند به این معنا نیست که مالیاتشان ۱۰ برابر شده، به این معناست که به واسطه قانون وارد چتر مالیاتی شده‌اند. نسبت فرار مالیاتی ما در قیاس با کشورهای جهان دو برابر بیشتر است و این بحران را باید از طریق مجراهای قانونی موجود حل کنیم.

عکس: عباس کوثری، شرق

ایستگاه‌های تصمیم‌گیری مناطق آزاد

اباذر آذربون . کارشناس ارشد حقوقی شورای‌عالی مناطق آزاد

برای شناخت مسیر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مناطق آزاد و تبیین مدل مدیریتی آنها لازم است در ابتدا بدانیم قانون چگونگی اداره این مناطق در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از آن زمان تاکنون هفت سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی در هفت محدوده و منطقه مرزی ایجاد شده‌اند که عبارت‌اند از کیش، قشم، چابهار، ارس، اروند، انزلی و ماکو.

مناطق آزاد با وجود داشتن اقلیم و شرایط جغرافیایی متنوع و تنگناهای گوناگون اجرائی، دارای یک قانون هستند و ملاک اداره آنها همین قانون و اساسنامه آنهاست. بر اساس ماده ۵ این قانون هر سازمان منطقه آزاد شخصیت حقوقی مستقلی دارد و توسط مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره اداره می‌شود. بر اساس ماده ۶ همین قانون تعداد اعضای هیئت مدیره سه یا پنج نفر است که توسط شورای‌عالی مناطق آزاد (با تفویض اختیار از هیئت وزیران) انتخاب می‌شوند. مطابق با همین قانون، مدیر عامل سازمان منطقه آزاد بالاترین مقام اجرائی در زمینه‌های اقتصادی و زیربنایی منطقه است و حکم انتصاب او توسط رئیس‌جمهور صادر می‌شود. نکته مهم اینکه با عنایت به ماده ۶ همان قانون، عزل ایشان (مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره) با همان مراجع انتخاب‌کننده است.

همان‌گونه که مشخص است سازمان‌های مناطق آزاد تاروپود دولتی دارند اما با اختیاراتی بیشتر از سازمان‌های دولتی مستقر در سرزمین اصلی. اختیارات سازمان‌های مناطق آزاد علاوه بر قانون چگونگی اداره مناطق آزاد در بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجم توسعه و بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نیز تصریح شده است. در بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور ذکر شده است که کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرائی دولتی مستقر در این مناطق به استثنای نهادهای دفاعی و امنیتی بر عهده سازمان‌های مناطق آزاد است.

بر اساس ماده ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، سازمان‌های مناطق آزاد از شمول قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی مستثنا هستند و بر اساس ماده ۱۱ همین قانون صدور مجوز برای انجام هرگونه فعالیت اقتصادی در محدوده منطقه آزاد صرفا در اختیار سازمان منطقه آزاد است، همچنین فعالان اقتصادی در این مناطق به مدت ۲۰ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی معاف‌اند و بدون محدودیت زمانی از پرداخت مالیات بر ارزش‌افزوده مستثنا هستند، مبادلات بازرگانی آنها با خارج از کشور نیز پس از ثبت گمرکی از شمول مقررات صادرات و واردات مستثناست.

با توجه به اختیارات و مزایای وسیع مناطق آزاد سؤالی که به ذهن هر خواننده‌ای ممکن است خطور کند، این است که این مناطق به‌صورت اجمالی چه ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی دارند که این مقدار اختیارات قانونی دارند؟ سؤال دوم اینکه مقام یا نهاد بالادستی مناطق آزاد کیست و چگونه برای این مناطق سیاست‌گذاری می‌کند؟

در پاسخ به سؤال نخست لازم است اشاره کنم:

منطقه آزاد کیش سال‌ها قبل از تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد ایجاد شده بود و مشغول به فعالیت بود؛ البته نه با نام منطقه آزاد. این منطقه، در استان هرمزگان واقع شده و با توجه به محصوربودن در یک جزیره، دارای بیشترین میزان هماهنگی در نحوه اداره محدوده منطقه آزاد است و کمترین مشکل را در تعامل با مسئولان استانی دارد. گردشگری، محور اصلی توسعه جزیره کیش است.

جزیره قشم واقع در استان هرمزگان با مساحتی بالغ بر دو برابر کشور بحرین، به دو بخش منطقه آزاد و منطقه ویژه اقتصادی تقسیم شده که مساحت محدوده منطقه آزاد آن ۳۰۰ کیلومتر مربع است. در این جزیره قانون خاص مناطق آزاد در محدوده منطقه آزاد، ملاک عمل است اما بخش منطقه ویژه این جزیره بر اساس قانون مناطق ویژه اقتصادی اداره می‌شود، بنابراین دو ملاک قانونی در مدیریت اجرائی دارد. این جزیره دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای در حوزه نفت و گاز است و می‌تواند به هاب انرژی منطقه تبدیل شود.

منطقه آزاد چابهار در جنوب شرقی کشور و در نزدیکی شهر چابهار در استان سیستان‌وبلوچستان واقع شده است، این منطقه یگانه منطقه آزاد واقع در شرق تنگه هرمز است که در ساحل دریای عمان و با پتانسیل‌های فراوان ترانزیتی و دریایی ایجاد شده و قادر است به کریدور ترانزیتی شرق کشور تبدیل شود.

منطقه آزاد اروند، واقع در استان خوزستان، تنها منطقه‌ای است که دو شهر پرخاطره دوران دفاع مقدس؛ آبادان و خرمشهر، با انبوهی از مشکلات و زخم‌های باقی‌مانده از دوران دفاع مقدس در محدوده آن واقع شده‌اند. این منطقه یکی از مستعدترین نقاط کشور برای تولید و صادرات انواع کالا به بازار بزرگ کشور همسایه عراق است.

منطقه آزاد ارس در خطه آذربایجان‌شرقی و در مجاورت رودخانه ارس واقع شده و با توجه به وجود زمین‌های حاصلخیز و آب فراوان می‌تواند به قطب کشاورزی گلخانه‌ای و پیشرفته در منطقه خاورمیانه تبدیل شود. منطقه آزاد انزلی در منطقه خزری و در استان گیلان واقع شده، این منطقه علاوه‌بر وجود ظرفیت‌های فراوان در حوزه گردشگری، با تکمیل بندر بزرگ کاسپین قادر است به قطب مبادلات کالا با کشورهای cis تبدیل شود.

منطقه آزاد ماکو، واقع در استان آذربایجان‌غربی، آخرین و وسیع‌ترین منطقه آزاد ایجادشده در کشور است. این منطقه دارای پتانسیل ترانزیتی به دلیل هم‌مرزبودن با کشور ترکیه و ظرفیت‌های گسترده معدنی است. با نگاه دقیق به تنوع و فراوانی ظرفیت‌های مناطق آزاد مختلف و تنوع قومی و اهداف گوناگون و انتظارات گسترده ملی و محلی از این مناطق، لازم است سیاست‌گذاری و راهبری آنها با توجه به همه استعدادها، ظرفیت‌ها و تنگناهای اجرائی پیش‌روی این مناطق صورت پذیرد. اما این سیاست‌گذاری توسط چه کسی صورت می‌پذیرد؟

در پاسخ به سؤال دوم و توجه به نهاد بالادستی مناطق آزاد لازم است که اشاره شود بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، تصمیم‌گیری درخصوص تصویب آیین‌نامه‌های اجرائی مرتبط با مناطق آزاد و هماهنگی تمام فعالیت‌های این مناطق برعهده هیئت وزیران است که این موضوع به وزرای عضو شورای‌عالی مناطق آزاد تفویض شده است. تصمیم‌گیری در شورای‌عالی مناطق آزاد، نیازمند به ارائه تحلیلی دقیق و مبتنی‌بر آمار و اطلاعات این مناطق است؛ تحلیل‌ها و راهبردهایی که لازم است همسو با بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در جهت انتقال فناوری‌های پیشرفته و گسترش و تسهیل تولید کالا و صادرات در مناطق آزاد باشد. کانون بررسی‌ها و تحلیل‌های امور مناطق آزاد و متعاقبا تصمیم‌سازی برای اعضای شورای‌عالی مناطق آزاد، دبیرخانه شورای‌عالی مناطق آزاد است که حلقه و پل ارتباطی اعضای شورای‌عالی مناطق آزاد و سازمان‌های مناطق آزاد است.

اما وظایف دبیرخانه شورای‌عالی مناطق آزاد چیست؟ آیا این دبیرخانه شرح وظایف مصوب قانونی نیز دارد؟ پاسخ مثبت است. با عنایت به مصوبه شورای‌عالی مناطق آزاد در تاریخ ۱۲/ ۷/ ۱۳۷۲ از جمله وظایف این دبیرخانه، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ - پیگیری لوایح قانونی مربوط به فعالیت مناطق آزاد در هیئت دولت و مجلس تا مرحله تصویب و تشکیل جلسات شورای‌عالی

۲ - ایجاد بانک اطلاعاتی قوانین، بررسی و تهیه گزارشات لازم جهت مقایسه مقررات و ترتیبات عملی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد جهت طرح در شورای‌عالی به منظور ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های این مناطق

۳ - بازرسی‌های ادواری از عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد

این دبیرخانه زیر نظر دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که از دیرباز مشاور رئیس‌جمهور بوده است فعالیت می‌کند و سازماندهی و سیاست‌گذاری برای تمام سازمان‌های مناطق آزاد، پشتیبانی از اقدامات آنها و تبیین ظرفیت‌ها، مشکلات و انتظارات مناطق آزاد در برابر قوای سه‌گانه و افکار عمومی را بر دوش می‌کشد؛ اموری که با توجه به ضروری‌بودن حل مشکلات فعالان اقتصادی در مناطق آزاد در حوزه‌های تخصصی، از جمله مالیات، گمرک، بانک، بیمه، محیط زیست و ... دانش، تجربه، تعهد و قدرت تعامل بالا با سایر دستگاه‌های اجرائی را می‌طلبد.

abazar.azarboon@gmail.com

نگاه

زلزله، جامعه کوتاه‌مدت و توسعه در ایران

بهزاد نظری

همایون کاتوزیان، اقتصاددان، تاریخ‌نگار و پژوهشگر علوم سیاسی معتقد است که نظریه «جامعه کوتاه‌مدت و کلنگی» می‌تواند ویژگی‌های جامعه و سیاست در ایران را تبیین کند. او در مقاله‌ای به همین نام می‌نویسد: «در این جامعه (ایران) تغییرات انباشتی درازمدت، از جمله انباشت درازمدت مالکیت، ثروت، سرمایه و نهادهای اجتماعی و خصوصی حتی نهادهای آموزشی، بسیار دشوار بوده است. بدیهی است که این نهادها در هر دوره کوتاه‌مدت وجود داشته یا به وجود آمده است؛ اما در دوره‌های کوتاه‌مدت بعدی یا بازسازی شده یا دستخوش تغییراتی اساسی شده است». این به آن معناست که ما هرازچندگاهی عمارتی نو می‌سازیم؛ اما پس از مرور زمان (معمولا ۲۰ یا ۳۰ سال) این ساختمان نو به‌عنوان عمارتی کلنگی و کهنه، ویران و نابود (صاف) می‌شود». کاتوزیان این شرایط را مانع توسعه سیاسی-اقتصادی جامعه ایران می‌داند. به نظر می‌رسد این نظریه بتواند برخی از ابعاد جامعه ایرانی را به‌خوبی تبیین کند. یکی از این ابعاد میزان آمادگی ما ایرانیان برای مواجهه با موضوع حوادث غیرمترقبه و به‌ویژه زلزله است که امروز جامعه ایرانی را به‌شدت متأثر کرده است. همان‌گونه که می‌دانیم زلزله نه‌چندان پرقدرت ۵/۲ ریشتری ۲۹ آذر شهر تهران باعث ترس و دلهره شدید در بین مردم شد و مردم شب تا صبح را ترسان و سرگردان در خیابان‌ها سر کردند؛ به روایت یکی از شاهدان «زلزله تقریبا ۱۰ ثانیه احساس شد؛ اما میلیون‌ها نفر به خیابان ریختند نیمه‌برهنه، یا دست خالی، بدون سوئیچ ماشین، سند خانه، دسته‌چک و حتی مدارک شناسایی... . میلیون‌ها نفر فقط فرار کردند، از ترس فروریختن سقفی که برای خریدنش، برای اجاره‌کردنش، برای پرداخت قسطهایش روزها و شب‌ها زحمت کشیده بودند... . از ترس سقفی که بخشی از عمر و سلامتی‌شان را برای داشتنش حراج کرده بودند. میلیون‌ها نفر همه آن چیزهایی که یک عمر برای داشتنشان جنگیدند و عرق ریختند را بدون لحظه‌ای درنگ رها کردند و فقط جان ناقابل را برداشتند و به خیابان زدند»... . برای نشان‌دادن وجه کوتاه‌مدت‌بودن جامعه ایرانی، باید این رفتار مردم تهران را؛ نمی‌گوییم با رفتار مردم ژاپن؛ بلکه با کره‌جنوبی که زمانی آرزوشان رسیدن به جایگاه ایران بود، مقایسه کرد که زلزله‌های کمتر از هفت ریشتر اساسا اتفاق خاصی محسوب نمی‌شود و آنها یاد گرفته‌اند که چگونه با زلزله‌های هفت یا هشت ریشتری زندگی کنند و از آن با مدیریت و از سرمایه و دارایی انباشته‌شده خود در برابر این حوادث محافظت کنند؛ ولی در ایران، مردم پایتخت در این روزها، تن و بدنشان می‌لرزد که نکند سقف بالای سرشان، بر سرشان آوار شود، چرا؟پاسخ بسیار روشن است؛ چون نه شهرداری‌ها به فکر این بوده‌اند که اجازه ندهند روی گسل‌ها خانه‌سازی شود، نه بسیاری از مهندسان این‌قدر وجدان کاری داشته‌اند که خانه‌های محکم بسازند، نه اغلب تولیدکنندگان مصالح ساختمانی به فکر تولید مصالحی بوده‌اند که مستحکم باشند، نه نظارت‌کنندگان درست به وظیفه خود عمل کرده‌اند و... و نتیجه نیز این شده است که ما از لرزه کوچکی می‌ترسیم و شب تا صبح را ترسان و لرزان در خیابان‌ها می‌مانیم و به‌راحتی حاضر می‌شویم همه چیزهایی را که سرمایه زندگی ما محسوب می‌شوند و عمری برای به دست‌آوردن آن تلاش کرده‌ایم، در آنی رها سازیم، بلکه جان سالم به در ببریم. همان‌گونه که کاتوزیان می‌گوید: «توسعه نه‌تنها به اکتساب و نوآوری؛ بلکه به‌خصوص به انباشت و نگهداری نیاز دارد، خواه ثروت باشد یا حق و امتیاز یا دانش و علم» و «جامعه درازمدت، انباشت درازمدت را میسر می‌کند، دقیقا به‌این‌علت که قانون و سنت حاکم بر آن و نهادهای آن میزانی از امنیت را تأمین می‌کرد؛ یعنی آینده را قابل پیش‌بینی می‌ساخت». مثال زلزله به‌ویژه زلزله ۲۹ آذر تهران و نوع پرقدرت احتمالی آن در آینده و نگرانی‌ها و هشدارها درباره بی‌دفاع‌بودن ما در برابر آن، گویای آن است که ما نمی‌توانیم از سرمایه‌های زندگی و جامعه خود (مسکن، ماشین، کارخانه و...) که تا امروز گرد آورده‌ایم، در برابر این بلیه طبیعی نگهداری و امنیت آنها را تأمین کنیم تا یکباره و در لحظه‌ای همه دارایی خود را به کام آن نفرستیم و مجبور نشویم دوباره و دوباره از صفر شروع کنیم. با این وصف و درحالی‌که ویژگی کوتاه‌مدت و کلنگی‌بودن در همه ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی ما حتی در نوع و میزان آمادگی ما برای مواجهه‌شدن با خطر همیشگی، پیش‌بینی‌ناپذیر ولی قابل مدیریت زلزله، ساری و جاری است، باز می‌توانیم دم از توسعه بزنیم؟ توسعه‌ای که از الزامات آن انباشت سرمایه، دانش، تکنولوژی در جامعه‌های درازمدت و توانایی محافظت و نگهداری از آن در برابر مخاطرات مختلف است.

خبر

بازی یک میلیون بشکه‌ای آل سعود

عربستان در حالی دنبال غصب بازار نفت ایران پس از خروج ترامپ از برجام است که نگاهی به پیشینه بازی این کشور در زمین آمریکا، نشان می‌دهد سعودی‌ها در این حوزه با تمام توان وارد میدان می‌شوند. به گزارش مهر، اختلافات نفتی ایران و عربستان به دوران دهه ۵۰ شمسی بازمی‌گردد؛ زمانی که این کشور برای کاهش قدرت نفتی ایران و جلوگیری از افزایش قیمت نفت، تهدید کرد چنانچه ایران روی افزایش قیمت نفت مانور بیشتری دهد، اوپک را ترک می‌کند. سعودی‌ها که به دلیل امضای قراردادهای مختلف اقتصادی با آمریکا در دهه ۷۰ میلادی به متحد نفتی این کشور تبدیل شده بودند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز به روند خود ادامه دادند. بر اساس گفته کارشناسان، این کشور در دهه ۸۰ میلادی که جنگ ایران و عراق تبدیل به یک بحران شده بود، بنا بر دستور محرمانه آمریکا یکباره میزان تولید خود را از ۳.۶ میلیون بشکه در روز به پنج میلیون بشکه افزایش داد و این اقدام موجب شد قیمت نفت به زیر ۱۲ دلار در هر بشکه سقوط کند. گرچه عربستان اعلام کرد این افزایش تولید مبنای بازاری داشته است، ولی سال‌ها بعد اسنادی منتشر شد که نشان داد این دستور مستقیم از سوی کاخ سفید صادر شده بود. پس از جنگ تحمیلی و آغاز دوره سازندگی، ایران تولید نفت خود را از سطح دو میلیون بشکه به حدود چهار میلیون بشکه در روز افزایش داد و دوباره بازارهای خود را احیا کرد که به موازات چنین تغییری، بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، با تحریم خرید نفت ایران از سوی شرکت‌های آمریکایی، به جنگ اقتصادی با ایران رفت. در آن سال‌ها، شرکت‌های آمریکایی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری کرده و به پالایشگاه‌های خود در کشورهای جز آمریکا می‌بردند. با انتقال شرکت‌های آمریکایی از این تصمیم دولت آمریکا، واشنگتن از عربستان خواست شرایط بهتری را برای تأمین کمبود عرضه فراهم کند که این کشور هم بیشتر مشتریان نفت ایران را از آنِ خود کرد.